

## جمهوری کردستان ، ایران‌خواه یا تجزیه‌طلب؟

دکتر سهراب اعظم‌زنگنه - دی ۱۳۸۳ خورشیدی

شادروان مصطفی بارزانی: هر کجا کرد است آنجا ایران است.

از سخنان شادروان دکتر عبدالرحمن قاسملو که بارها توسط استاد عبدالله حسن‌زاده تکرار شده است: ما هیچ کسی را از خودمان ایرانی‌تر نمی‌دانیم.

اینک که دو حزب نیرومند و ایران‌خواه پان‌ایرانیست و دمکرات کردستان ایران در مسیر مبارزه حق‌طلبانه، رهایی‌بخش و عظمت‌خواه ملت ایران به کوششی هماهنگ برخاسته‌اند و اقدام بزرگ و استراتژیک آنها چون خاری به چشمان حسودان منحرف و نیروهای ضد ملی و تفرقه اندازان مبارزات قوم کرد و بیگانه پرست فرو رفته و نمی‌توانند اتحاد و یگانگی همه اقوام جامعه بزرگ ایرانی را تحمل نمایند، بر آن شدم که هم‌میهنانم را در حد توان با تاریخ مختصر قوم کرد و خواست‌های تاریخی آنها و کوشش‌ها و دلبستگی‌هایشان به یگانگی اقوام ایرانی در عین حق‌خواهی‌های ویژه قومی آشنا نمایم، بدیهی است که ذکر حوادث و نظریات آورده شده در زیر صرفاً برای روشننگری است تا همگان بدانند که اولاً قوم بزرگ کرد و ثانیاً همه اقوام ایرانی در درازای تاریخ علی‌رغم شیوه‌های گوناگون بیانی و علمی و اشتباهات احتمالی هرگز قدمی در مسیر تجزیه‌طلبی برنداشته‌اند و خواستی جز ایجاد ایرانی آباد، آزاد و دمکرات ندارند.

### کردستان

کردستان غربی‌ترین منطقه ایران بزرگ و تاریخی است و امروز پاره‌هایی بزرگ از آن در درون مرزهای بین‌المللی کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و ارمنستان قرار دارد و همیشه از کانون‌های مهم سیاست منطقه به شمار می‌رود.

گزنفون در کتاب "بازگشت ده هزار یونانی از ایران" از وجود کردوخ‌ها (کردها) یاد کرده است. کردها بازماندگان نخستین اقوام آریایی (ایرانی) گوتی‌ها (گورتی‌ها - کردها) هستند که هسته‌های اولیه اقوام ماد را تشکیل داده‌اند.

حمدالله مستوفی اولین مورخی است که در کتاب "نزهةالقلوب" (۷۴۰ هجری) از کردستان نام می‌برد. ل . ه . فلورانس در کتاب "الاجناس" می‌نویسد: کردستان منطقه‌ای آسیایی می‌باشد و معمولاً با دشت‌های وسیع در میان کشورهای ایران، عراق، سوریه و ترکیه تقسیم شده است و همچنین چند مستعمره در "قوفاس" در سرازیری‌های کوه‌های "ارمینای" شوری سابق نیز کردها ساکن هستند.

فرهنگ جغرافی این‌عمران، بخش پنجم: کردستان جایی است که در غرب ایران قرار داشته و کردها در آن زندگی می‌کنند.

حدود تقریبی خاک کردستان را بدین شیوه می‌توان رسم نمود: ابتدا خطی راست از قله آرارات به طرف پایین کشیده شود و از آنجا به زاگرس و پشت کوه امتداد یابد. سپس به طرف مغرب تا موصل در عراق کشیده شود. از موصل نیز خط راست دیگری به طرف مناطق ترکیه تا اسکندرون و از آنجا به طرف مشرق تا ارزروم کشیده شود و این خط را ادامه داده و از ارزروم به قله آرارات امتداد می‌دهیم. در این صورت حدود کردستان را مشخص کرده‌ایم که مساحت آن بالغ بر ۴۰۹۶۵۰ کیلومترمربع بوده.<sup>۲</sup>

این مساحت از کل مساحت کشورهای انگلیس، هلند، سوئد، بلژیک، دانمارک و سوئیس بیشتر است.

کردها اصیل‌ترین نژادهای مشرق‌زمین، آریایی و از نژاد طوایف زاگرس هستند. کردها (مادها) اولین قومی بودند که در ایران طوایف گوناگون و اقوام ایرانی را با هم متحد نموده و اولین حکومت ایران را که همان شاهنشاهی ماد (۷۲۷ تا ۵۵۰ ق . م) می‌باشد را بنا نمودند.

هردوت (کتاب ۱ بند ۶۹) در ستایش دلاوری مادها می‌نویسد: آشوریان ۵۵۰ سال در آسیای باختری فرمانروایی کردند، نخستین کسانی که سر از فرمان ایشان کشیدند و به خاطر آزادی خود سخت به

نبرد برخاستند و از خویش مردانگی و دلیری بسیار نشان دادند و خود را از اسارت آشوری‌ها رهانیدند و در این راه سرمشقی برای قوم‌های دیگر شدند مادی‌ها بودند.<sup>۲</sup>

دیاکو اولین پادشاه ماد که توانسته بود طوایف ماد و اقوام ماد و پارس را با هم متحد نماید همدان (هگمتان، آمدانه، اکباتان، به معنی محل گرد آمدن مردم) که در قلب ماد به شمار می‌رفت و مهمترین راه‌های کاروان‌رو در آنجا به هم می‌رسیده‌اند را پایتخت خویش خواند.<sup>۴</sup> تاریخ بنای این شهر به یازده قرن قبل بر می‌گردد.<sup>۵</sup> چنانکه تاریخ بنای رم از سده ۸ قبل از میلاد فراتر نمی‌رود.

زبان کردی از جمله زبان‌های اقوام ایرانی (هند و اروپایی) است که دارای چهار لهجه متفاوت و هر لهجه گویش‌های متنوعی دارد. که در این میان "سورانی" برای نوشتار و گفتار و رسانه، زبان رسمی کردی می‌باشد.<sup>۶</sup>

اکثر کردها سنی مذهب‌اند ولی تعداد قابل ملاحظه‌ای از کردهای شیعه (به ویژه در کرمانشاهان و ایلام و خانقین) و پیروان فرقه ایزدی و اهل‌حق و ادیان مسیحیت و یهودیت و زرتشتی در کردستان زندگی می‌کنند.

کردها از مذهب هرگز به عنوان عاملی برای برتر بودن و یا تحقیر نمودن استفاده نکرده‌اند. پیروان ادیان مختلف در کردستان هم مورد احترام بوده‌اند و هم از کردستان به عنوان پایگاهی امن استفاده کرده‌اند. نقطه افکار در مبارزات آزادی‌خواهانه و حق‌طلبانه قوم کرد در ترکیه، سوریه و عراق مسئله ملیت بوده و هرگز از مذهب برای رسیدن به مقاصد و منافع سیاسی استفاده نکرده‌اند.

هرچند حکومت‌های حاکم بر کردستان بزرگ آمار دقیقی از مناطق کردنشین ارائه نداده‌اند ولی می‌توان بر طبق آخرین آمار<sup>۷</sup> جمعیت کردها را مابین ۲۵ تا ۴۰ میلیون نفر تخمین زد.

## تقسیم کردستان

به مرور زمان به دلیل اینکه کردستان کانون انواع رویارویی‌های سلسله‌های ایرانی و عثمانیان و جنگ جهانی اول بوده است از لحاظ جغرافیایی دچار تغییر و تحولات اساسی شده است.

با سقوط ساسانیان و استقرار اعراب و خلافت اسلامی کردستان بخشی از قلمرو بنی‌امیه و عباسیان شد. بعدها مدتی کوتاه کردستان در قلمرو آل‌بویه بود که به دلیل اینکه آل‌بویه اقتدار سیاسی اعراب را به رسمیت شناختند کردها شورش کردند. دوره‌های دیگر مقاومت و تسلیم کردستان با آغاز تهاجم مغول و ظهور سلسله‌های محلی مغولی، ترکمن در ایران روی داد.

کردها به رهبری صلاح‌الدین ایوبی در جریان جنگ‌های صلیبی و با فتح بیت‌المقدس سرانجام دو قرن نبرد را با پیروزی مسلمانان رقم زدند و حدود دو قرن حکومت ایوبی بر مصر و سوریه حکومت کرد.

پس از تهاجم مغول بود که امارات نیمه مستقل کرد در برخی نواحی کردستان به وجود آمد.<sup>۸</sup> از دوران اتابکان و در تمام دوران صفویه، افشار، زندیه و تا عصر قاجار خوانین کرد زنگنه بر کرمانشاهان حکومت می‌کرده‌اند و ولات اردلان صدها سال بر سنج حکم رانده‌اند.

ظهور سلسله صفوی و افراط در تعصب شیعی و اشغال بخش‌های وسیعی از دیاربکر و کردستان توسط عثمانی به تدریج باعث بیگانگی و دور ماندن کردهای شمالی (در منطقه اشغالی عثمانی) از جامعه ایرانی گردید. محقق برجسته حسن عارف در این باب می‌گوید: کردها تا این زمان خود را ایرانی و شریک مصیبت‌هایی می‌دانستند که بر سر ساکنان امپراتوری ایران آمده بود. آنها نگهبان سنت تاریخی و فرهنگی ایران بودند، ظهور سلسله صفوی باعث تزلزل وفاداری کردها شد و به تدریج باعث بیگانگی<sup>۹</sup> کردهای شمالی (کردستان عثمانی و ترکیه امروز) از جامعه ایرانی گردید.

در جنگ چالدران "ساروبیر" سردار رشید ایران به اتفاق يك هزار کرد سنی مذهب به عنوان سندی به نشانه ایران‌خواهی آنها و درك این حقیقت که نبرد چالدران نبردی ملی و نه مذهبی بوده در رکاب شاه اسماعیل صفوی دلاورانه جنگید و شهید شد. ولی بعد از آن شکست بخش‌هایی از خاک ایران، شامل بخش وسیعی از کردستان (دیاربکر و ...) یعنی ۲/۳ خاک کردستان به عثمانیان داده شد.

در سال ۱۶۳۹ میلادی پس از امضای پیمان صلح میان سلطان مراد دوم خلیفه عثمانی و شاه عباس دوم صفوی مرزهای ایران و عثمانی از میان مناطق کردنشین کشیده شد، که تا به امروز هم باقی است.

جنگ جهانی اول ویرانی‌های عظیمی را در کردستان موجب شد. عثمانی‌ها پس از ژینوساید ارامنه (قتل و عام ارامنه) در سال ۱۹۱۵ میلادی چند صد هزار نفر کرد را به غرب ترکیه تبعید کردند که بسیاری از آنان قبل از رسیدن به مقصد هلاک شدند.

امپراتوری عثمانی در جنگ شکست خورد و بسیاری از سرزمین‌هایش میان قدرت‌های اروپایی تقسیم گردید. دولت‌های بی‌تاریخ سوریه و عراق از دامان انگلیس و فرانسه متولد شدند و در نتیجه کردستان تحت اشغال عثمانی بین سوریه و عراق و ترکیه تقسیم گردید. در هر جنگ و مصیبتی که در خاورمیانه روی داده است این خاک کردستان و قوم کرد بوده‌اند که به مانند گوشت قربانی مورد بخشش و عطا قرار می‌گرفته است. این ستم و رسوایی تاریخی را برای حکومت‌های منطقه‌ای، با چه زبانی می‌توان توجیه کرد و پاسخ گفت؟ کردها در کدامین جنگ منطقه‌ای میان دول آغازگر، ادامه دهنده یا مسئول بوده‌اند؟

متأسفانه حکام و عوامل حکومت‌های مرکزی ایران و عثمانی سبب شده‌اند که به هنگام اقتدار، قتل و عام و قلع و قمع نصیب قوم کرد باشد و در جنگ سپر بلا و خراج شکست!؟

گناه کردها فقط آزادی‌خواهی، برابری‌طلبی، عدالت‌خواهی، زیر بار ستم نرفتن و نوکر استعمارگر نبودن و متجاوز را به مبارزه طلبیدن و دفاع از شرف و ناموس و خاک و اصالت و ملیت ایرانی خویش بوده است و بس. در خور توجه است که در این مسیر حکومت‌های قدرتمند خارجی نیز گناهی مشترک بر دوش و صحنه‌ای سیاه بر تاریخ دارند.

پس از جنگ جهانی اول و تقسیم کردستان اشغالی عثمانی، دول اروپایی فاتح جنگ در پیمان سور (severe) در سال ۱۹۲۰ میلادی وعده تحقق رویاهای حق‌طلبانه کردها را دادند ولی انگلیس و فرانسه در به فراموش سپری این پیمان نقش به سزا داشتند. مصطفی کمال نیز بر سرزمین‌های باقیمانده از امپراتوری عثمانی (ترکیه امروزی) دولت نظامی و نژادپرست خود را که در آن کردها را قانوناً ترک کوهی می‌خواندند بنا نمود.

پیمان سور جای خود را به پیمان لوزان (lauseana) داد که در آن یادی هم از احقاق حقوق کردها نکردند و حتی حقوق شهروندی نیز برای کردهای ساکن در خاک خویش در نظر گرفته نشد.

## شورش‌های کردستان

پس از این سری وقایع ذکر شده که دولت‌های منطقه‌ای و دولت‌های قدرتمند جهانی باعث شدند کردستان بزرگ از نیاخاک خویش جدا شده و بر چند قسمت شود. کردها که مقاومت، دلیری و سازش ناپذیری در مقابل دشمن از خصیصه و فطرت پاکشان سرچشمه می‌گیرد در مواقع زمانی متعددی شورش‌های کارآمدی را بر ضد حکومت‌های مرکزی و در دفاع از مام‌میهن خویش داشته‌اند که البته این شورش‌ها هر دلیل و نتیجه‌ای هم که داشته باشند به هدف به چالش طلبیدن قدرت دولت‌های حاکم در مقابل اراده قوم کرد بوده‌اند.

## کردها در ارمنستان

قسمتی از خاک کردستان در ارمنستان می‌باشد و به دلیل اینکه دولت آرمن هیچگونه مانعی در آموزش و پرورش به زبان کردی و چاپ نشریات و کتب کردی و اجتماعات فرهنگی ایجاد ننموده و بر کردها ستم فرهنگی و سیاسی روا نداشته است، کردها و ارامنه بدون هیچ نوع دغدغه خاطری سال‌ها است که در کمال آرامش با هم زندگی می‌کنند و ارتباط فرهنگی و سیاسی کردها در ارمنستان با قسمت‌های دیگر کردستان مشکلاتی را برای آنان فراهم ننموده است.<sup>۱۰</sup>

ولی این فرمول را در بقیه نقاط کردستان (عراق، سوریه، ترکیه و حتی ایران) نمی‌توان شاهد بود. شورش‌هایی که در طول تاریخ در کردستان ترکیه، عراق و سوریه به وقوع پیوسته‌اند بیشتر بر جنبه جدایی‌خواهی و استقلال کردستان تأکید نموده‌اند، مانند: شورش‌های شیخ عبیدالله، شیخ سعید

پیران، سید رضا، ژنرال احسان نوری (عقاب آرات)، ملک محمود، مصطفی بارزانی، بدرخان‌ها و ... که دلیل اندیشه استقلال طلبی کردها در کشورهای نامبرده را می‌توان در عدم سنخیت و بیگانگی فرهنگی‌شان با مردم آن کشورها و عدم پشتیبانی سیاسی از جانب حکومت‌های مرکزی ایران (که خود ناقض حقوق اساسی و قومی کردها بوده‌اند) دانست.

شایان ذکر است در طول جنبش مبارزاتی کردها، هرگاه در قسمتی از خاک کردستان حکومتی هرچند ضعیف ایجاد شده است پایگاهی بوده برای جنبش فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قسمت‌های دیگر خاک کردستان بزرگ که دیرزمانی بخشی از خاک ایران بوده است.

## کردستان ایران

استان‌های کرمانشاه، ایلام، کردستان، لرستان، بخش وسیعی از آذربایجان غربی، همدان (برخی شهرها و روستاهای این استان) خاک کردستان و مناطق کردنشین می‌باشد. همانطور که می‌دانیم علاوه بر زاگرس که خاستگاه اصلی کردها بوده در مناطق وسیع دیگری از کشور نیز از جمله شمال خراسان، گیلان، مازندران، تهران، قم، سیستان و بلوچستان، کرمان، فارس و خوزستان کردها ساکن هستند. که البته این پراکندگی در سراسر ایران دلایلی دارد که عبارتند از:

- درهم شکستن اتحاد و یکپارچگی و جلوگیری از مبارزات آزادی‌خواه قوم کرد که به کوچ اجباری ایلات و طوایف منجر شده است.
- اکراد شیعه و به ویژه ایل بزرگ زنگنه به دلیل وفاداری آنها به خاندان صفوی به بهانه پاسداری از مرزهای شرقی ایران و جلوگیری از شورش‌های داخلی و در واقع درهم شکستن تجمع مرکزیت و قدرت ایلی آنها در سراسر ایران (خراسان، هرات، خوزستان، بختیاری، برازجان، بوشهر، فارس و کرمان) پراکنده شده‌اند.
- بخش وسیعی از پراکندگی و مهاجرت ایلات کرد زنگنه و وند و کلهر به سایر نواحی ایران به دوران اتحاد آنها با کریم‌خان زند که مادرش کرد زنگنه بود و حمایت از زندیه پیش آمده است.

پس از شاهنشاهی‌های ماد، هخامنش<sup>۱۱</sup> و اشکانی<sup>۱۲</sup> و ساسانی<sup>۱۳</sup> که کردها بخش عظیمی از حکومت‌های مرکزی ایران را تشکیل می‌داده‌اند، دیگر نقش چندانی از آنان در قدرت حکومت مرکزی دیده نمی‌شود.<sup>۱۴</sup> ولی تا اواخر قاجاریه ایالات کردنشین ایرانی از خودمختاری ایالتی برخوردار بوده‌اند و تمام امور ایالات بر عهده رهبران ایلات کرد بوده و به دولت مرکزی هم در صورت امکان مالیات نمی‌داده‌اند، دولت مرکزی نیز آنچنان دخالتی در امور داخلی آنها نداشته است، اما در بروز جنگ‌های خارجی برای دفاع از ایران خود مستقیماً وارد کارزار می‌شده‌اند. ولات اردلان در سنندج، حکام زنگنه کرمانشاه و ابوقداره پشتکوه (ایلام) در کردستان جنوبی نمونه کامل از ایالت‌های خودمختار و آزاد و البته وفادار بوده‌اند.

هیات‌های حاکمه که ستم‌های ناروایی را در امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر قوم کرد اعمال می‌کردند، باعث بروز شورش‌های متعددی در کردستان ایران شدند که البته این شورش‌ها کانال‌ها و شیوه و اهداف مجزای دیگری را نسبت به بخش‌های دیگر کردستان تجزیه شده (در ترکیه، عراق و سوریه) مد نظر داشتند.

از اواخر قاجار رهبران مبارزات قومی کرد مطالبات اساسی خود را به چند گونه خواهان بوده‌اند.

آنان (کردها) در مبارزه با هیات حاکمه همسو با اپوزسیون داخلی می‌شده‌اند:

- مانند نقشی که یارمحمدخان کرمانشاهی و حسین‌خان کلاهی و ایل زنگنه و رهبران شهید آن از جمله حسین‌خان اعظم‌الدوله حکمران کرمانشاه و فرزند رشیدش حیدرخان فخیم‌السلطنه در هماهنگ نمودن مشروطه‌خواهان ایفا نمودند که جایگاه کرمانشاه در قیام و درگیری‌های نیروهای مشروطه‌خواه با مستبدین و سالارالدوله بس عظیم و تاریخی بود.<sup>۱۵</sup>
- تشکیل دولت موقت ایران (دولت مهاجرین) در کرمانشاه توسط مشروطه‌خواهان و روشنفکران کرد کرمانشاه از مهمترین اقدامات زمان خود بود.
- همکاری رهبران مجاهدین کرد: کریم‌خان کرد و برادرش، بابا مراد، میرزا مراد وزکی و قاضی محمدخان زنگنه در انقلاب میرزا کوچک‌خان جنگلی.
- و یا از جمله هماهنگی و همگامی اخیر حزب دمکرات کردستان ایران با حزب پان‌ایرانیست.

شورش‌هایی که هر از چند گاهی توسط روسای ایلات و عشایر بخش‌هایی از کردستان را شامل می‌شد و خواسته آنها به صورت احقاق حقوق قومی و خودگردانی داخلی مطرح می‌شد، ولی به دلیل عدم پشتیبانی‌های سیاسی منطقه‌ای و محدود بودن مبارزین و منطقه به شکست می‌انجامید:

- مانند مبارزات و قیام ملا خلیل که بر علیه ممنوعیت لباس کردی بود.
- قیام ۱۹۲۴ علیقلی‌خان صارم‌السلطنه پسز والی پشتکوه (ابوقدره) که بعدها به جنگ "رنو" معروف شد.
- شورش ۱۹۵۴ میلادی جوانرود.
- قیام اسماعیل‌آغا شکاک (سمکو) در دهه ۱۹۲۰ که به وسیله فرستادگان حکومت مرکزی که برای مذاکره آمده بودند ترور شد.
- شورش عشایر منطقه هورامان (اورامانات) به سرگروهی محمودخان دزلی و محمدامین لهونی.

در تمامی این شورش‌های پراکنده رهبران مبارزات قومی کردستان ایران که بر علیه ستم‌های همه جانبه حکومت مرکزی قیام می‌کردند در هیچ سند تاریخی ذکری از استقلال و جدایی‌خواهی نشده است بلکه در همه شورش‌ها خواهان خودمختاری برای کردستان در تمامیت ارضی ایران بوده‌اند و هرگز به دولت‌های همسایه و نیروهای بیگانه اجازه تعرض به خاک ایران را نداده‌اند.

تبلور سازمان یافته و مدرن قیام‌های کردستان ایران را می‌توان در تشکیل، اهداف و عملکرد دولت جمهوری کردستان دید.

## دولت جمهوری کردستان ۱۷۱۶

در اسناد تاریخی، نحوه تاسیس، رهبران، عملکرد و اهداف جمهوری کردستان واضح و شفاف بیان شده است ولی متأسفانه تبلیغات پردامنه حکومت مرکزی و همزمانی تاسیس آن با حکومت پوشالی و تجزیه‌طلب و وابسته جمهوری آذربایجان در تبریز و عدم امکان اطلاع رسانی کافی و شفاف وقایع آن زمان و عدم آگاهی جامعه سبب پیشداوری‌های به دور از واقعیت شده است که صد البته حاکمیت توتالیتر خود مشوق و منبع تغذیه و وارونه جلوه دادن تاریخ شده است و کوشیده‌اند که جمهوری کردستان را اوج خواسته جدایی خواهانه قوم کرد از ایران تعبیر نمایند. که این نوشته با ادله صریح تاریخی جوابی برای آن اتهامات نابخردانه است.

پس از تهاجم ارتش آلمان نازی به روسیه که سرانجام به شکست آلمان منجر گردید، انگلستان و شوروی تصمیم به اشغال ایران گرفتند. انگلیس‌ها پس از مطلع شدن از ارتباط رضاشاه با آلمان‌ها، با یورش به ایران او را به ژوهانسبورگ تبعید نمودند و در ۱۹۴۱ میلادی شوروی‌ها و انگلیس‌ها ایران را در شمال و جنوب مابین خود تقسیم نمودند. خلاء قدرت مرکزی برای جنبش‌های قومی که مدعی اعاده حقوق قومی از دست رفته خویش بودند این امکان را فراهم نمود تا خواسته‌هایشان را که در حکومت رضاشاه نادیده گرفته می‌شد آشکار نمایند.

حق‌جویی و آزادگی در کردستان ایران در سخت‌ترین شرایط نظامی و جو پلیسی و خفقان سیاسی نه تنها فروکش نکرد بلکه صد چندان شده بود.

در سال ۱۳۲۱ خورشیدی چند تن از نخبگان سیاسی و ملیون سرشناس شهر مهاباد (ساوجبلاغ) يك سازمان مخفی به نام "کومه‌له‌ی ژپانه‌وه‌ی کورد" به معنای جامعه احیای کرد تشکیل دادند.

کومه‌له‌ی ژ - ک توانست پس از مدت کوتاهی به صورت کاملاً مخفی در مهاباد و شهرهای اطراف و بعضی از روستاهای آن حوزه‌های تشکیلاتی برای فعالیت سیاسی داشته باشند.

البته سیاسیون کرد از کردستان ترکیه و کردستان عراق نیز ارتباطاتی را با کومه‌له‌ی ژ - ک برقرار نمودند. سرشت سازمان بسیار قومی بود و عضویت آن محدود به کسانی می‌شد که از پدر و مادر کرد باشند، تنها استثنای این قاعده کسانی بودند که مادرشان آشوری بود و این خود رابطه نزدیکی را که امروزه بین این دو قوم موجود است توضیح می‌دهد.<sup>۱۸</sup>

قاضی محمد پس از دعوت به عضویت در کومه‌له‌ی ژ - ک به رهبریت سازمان برگزیده شد و بنا به صلاحدید اعضا<sup>۱۹</sup> گستره فعالیت مخفی‌شان بیشتر از حدود و اختیارات کمیته‌ای محدود بود. توسط شخص قاضی محمد در ۲۵ مردادماه ۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۴۴ میلادی) اعلام حزب دمکرات کردستان ایران شد. کردها در بیانیه اعلام حزب دمکرات کردستان ایران خواستار حقوق انسانی و اساسی خویش شده بودند که در حکومت‌های گذشته از آنان دریغ داشته شده بود.<sup>۲۰</sup>

مفاد اهداف حزب دمکرات کردستان:

۱ - مردم کرد باید از آزادی و خودگردانی در اداره امور خود بهره‌مند باشند و در چارچوب کشور ایران خودمختاری داشته باشند.

۲ - زبان کردی زبان رسمی آموزشی و اداری باشد.

۳ - انجمن ایالتی کردستان باید بیدرنگ، موافق قانون اساسی<sup>۲۱</sup> انتخاب شود و بر تمام امور دولتی نظارت کند.

۴ - کلیه کارکنان دولت در منطقه کرد باشند.

۵ - قانون واحدی برای کشاورزان و مالکان وضع گردد و آینده این دو طبقه تأمین شود.

۶ - حزب دمکرات کردستان، برای تأمین وحدت و روشی کامل در مبارزه، با مردم آذربایجان و سایر اقوامی که در آذربایجان زندگی می‌کنند (آشوری‌ها و ارمنی‌ها و ...) کوشش خاصی مبذول خواهد داشت.

۷ - حزب دمکرات کردستان با اقدام به اکتشاف منابع طبیعی بسیار کردستان و توسعه کشاورزی و بازرگانی و بسط آموزش و بهداشت، در جهت بهبود و اعتلای وضع اجتماعی و اقتصادی مردم کوشش لازم را مبذول خواهد داشت.

۸ - ما آرزومندیم مللی<sup>۲۲</sup> که در ایران زندگی می‌کنند بتوانند آزادانه در راه تأمین سعادت و پیشرفت کشور خویش بکوشند.

پس از چندی بزرگمرد مبارز کرد ملا مصطفی بارزانی که مبارزات دلیرانه و جسورانه‌اش بر علیه انگلیس‌ها در عراق، انگلیس‌ها را ناگزیر به استفاده از نیروی هوایی سلطنتی کرده بود، به همراه سه هزار نفر نیروی مسلح و خانواده‌هایشان به ایران و شهر اشنویه پناه آوردند.

اشغال ایران و عدم اقتدار حکومت مرکزی ایران این فرصت را برای کردها فراهم آورد که در دوم بهمن‌ماه ۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۴۴ میلادی) قاضی محمد در اجتماع وسیعی در شهر مهاباد با حضور نمایندگان شهرهای کردستان و روسای ایلات و عشایر و کوشندگان آزادی و دمکراسی کرد و ملا مصطفی بارزانی، جمهوری کردستان را اعلام نماید.<sup>۲۳</sup>

در آن اجتماع وسیع که پرچم کردستان<sup>۲۴</sup> برافراشته و سرود "ای رقیب" خوانده شد، لقب "پیشوا" به قاضی محمد داده شد و وی به عنوان رئیس جمهوری کردستان ایران برگزیده شد.

در مفاد دولت جمهوری کردستان به حفظ تمامیت ارضی ایران، آزادی اقوام و ادیان، دمکراسی و جبران عقب‌ماندگی‌های فرهنگی و اقتصادی تأکید شد و پیشمرگان کرد از مقابل قاضی محمد رژه رفتند.

جمهوری کردستان شامل شهرهای مهاباد، بوکان، نقده، سقز، بانه و سردشت می‌شد. به ملا مصطفی بارزانی و سیف قاضی و محمد رشیدخان درجه ژنرالی و رشیدبیگ و زرو (زیرو) بیگ درجه سرهنگی دادند و ملا مصطفی بارزانی از جانب قاضی محمد به سمت رئیس نیروی پیشمرگ کردستان منصوب شد.

قاضی محمد کابینه‌ای را با سیزده وزیر معرفی نمود و اتحادیه زنان دمکرات را به منظور دخالت زنان در امور اجتماعی و سیاسی تاسیس نمود و بر شرکت زنان و دختران کرد در تعیین سرنوشت خویش از طریق مشارکت با مردان در جامعه تأکید فراوان داشت. گروه‌های زیادی از جوانان کرد را برای تحصیل در رشته‌های پزشکی، نظامی، مهندسی به خارج از کشور اعزام نمود.

قاضی محمد در جواب درخواست شوروی‌ها که پیشنهاد فرستادن ادوات و سلاح نظامی کرده بودند، خواستار فرستادن دستگاه‌های چاپ و نشر شده بود. کتب آموزشی و مجلات کردی را منتشر نمود، از روزنامه‌ها و مجلات کردی می‌توان به روزنامه "کردستان" (ارگان رسمی حزب دمکرات کردستان ایران)، "نیشتمان" و مجلات "هاوار" و "هه‌لاله" اشاره نمود.

در مدت زمان عمر کوتاه جمهوری کردستان زندانی سیاسی و عقیدتی وجود نداشت و حکم اعدامی صادر نشد و در شهرهای آزاد کردستان که استنشام هوای دمکراسی در ترقی شهر و مردم نقش بسزایی ایفا نموده بود، کانون‌های فرهنگی و سندیکاها صنفی زیادی نیز تاسیس شده بود.

قاضی محمد که به رهبری برجسته برای همه جنبش‌های کردستان (حتی کردهای بیروت نیز امیدوارانه به جمهوری مهاباد می‌نگریستند) بدل شده بود، مردی بود متوسط‌القامه که لباس عادی به تن داشت، همیشه ته ریش داشت و چهره‌اش تکیده بود، وی نه سیگار می‌کشید و نه نوشابه الکلی می‌نوشید و بسیار کم خوراک بود. صدایش نرم و خوش آهنگ و حرکاتش موقر بود، به غیر از زبان کردی به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، روسی، انگلیسی و اسپرانتو واقف بود. وی انسان دوستی بود که به همه ملت‌های جهان عشق می‌ورزید. شخصیت بلندپایه و فرزانه قاضی محمد در سیاست‌های حزب و حکومت نقش ویژه‌ای را ایفا می‌نمود. وی خواست‌هایش متعادل بود و خودمختاری را در چهارچوب ایران تعریف می‌نمود.

کردها که هرگز به جنگ و خونریزی و قوه قهریه برای رسیدن به اهداف ایمانی نداشته‌اند و این جبر تاریخی قدرت‌های منطقه‌ای بوده و هست که جنگ را بر مردم کرد تحمیل می‌نماید، قاضی محمد برای مذاکره با قوام‌السلطنه، نخست‌وزیر وقت ایران دیداری با وی در تهران داشت که متأسفانه بی‌نتیجه ماند.

با انعقاد توافق میان دولت قوام‌السلطنه و شوروی و فشار آمریکا و رای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۳۲۵ خورشیدی (۱۹۴۵ میلادی) نیروهای شوروی خاک ایران را ترک کردند. در نتیجه فرقه دمکرات آذربایجان که هرگز نتوانسته بود پایگاه و نیروی مردمی داشته باشد با هجوم مردم ایران‌خواه آذربایجان به مراکز حکومتی‌شان قبل از رسیدن ارتش سرنگون گردید و پشه‌وری و همراهانش که در میان مردم جایگاه نداشتند و بیدرنگ به جمهور آذربایجان شوروی گریختند.

در جمهوری کردستان که هرگز تجزیه‌طلب نبود وضع به گونه دیگری بود، مردم آماده جان‌فدایی همه هستی خود برای دفاع از رهبران و حکومت دلخواه خویش بودند، ایلات و عشایر کرد اطراف اورمیه به همراهی روسای عشایر سقز و پیشمرگ‌های بارزانی دفاع جانانه‌ای در منطقه سقز در مقابل نیروهای ارتشی تیمسار همایونی داشتند.

از جانب شوروی چندین بار به قاضی محمد و سران جمهوری کردستان پیشنهاد پناهنده شدن داده شد، ولی قاضی محمد در تصمیمی تاریخی به نشانه ایران‌خواهی از همه مبارزین و پیشمرگان کردستان خواست تا جنگ را متوقف نمایند و خود به استقبال ارتش رفت، او مسولیت قضیه جمهوری کردستان را خود بر عهده گرفت و سپر بلای قوم کرد شد زیرا پیش‌بینی می‌کرد که به دلیل آنکه مردم در جمهوری کردستان پشتیبان و مشوقین واقعی بوده‌اند قتل و عامی در کردستان به وسیله ارتش و نیروهای مزدور به راه انداخته خواهد شد. به همین دلیل برای پیشگیری از یک فاجعه احتمالی به همراه مقامات بلندپایه دولت خودمختار در ۲۴ آذرماه ۱۳۲۵ خورشیدی به میاندوآب رفته و خود را به ارتش شاهنشاهی ایران تسلیم کرد.

ملا مصطفی بارزانی به همراه نیروهایش در حرکتی تاریخی - نظامی توانست از محاصره نظامی نیروهای نظامی عراق، ترکیه و ایران دلیرانه عبور کند و خود را به شوروی برساند. قاضی محمد، صدر قاضی، محمدسیف قاضی و روسای عشایر فیض‌الله بیگی سقز در بیدادگاه رژیم در حالی که خود را تسلیم کرده بودند به اعدام محکوم شدند و روز ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ خورشیدی در میدان اصلی شهر مهاباد (چوارچرا) اعدام گردیدند.

اگر چه حزب دمکرات کردستان ایران و فرقه دمکرات آذربایجان با سرنوشت یکسانی مواجه شدند ولی از چهار جنبه مهم با یکدیگر تفاوت داشتند:

۱ - رهبران کرد ماندن در کردستان و شهادت در راه آرمان‌های قوم خویش و ایران را بر فرار و پناهنده شدن به دامان شوروی‌ها ترجیح دادند. ولی مقامات فرقه دمکرات آذربایجان به شوروی سرسپرده بودند و به آن پناهنده شدند.

۲ - در جمهوری کردستان این مردم بودند که در مقابل حکومت مرکزی مقاومت نمودند ولی در آذربایجان مردم به استقبال ارتش رفتند و قبل از ورود نیروهای نظامی مقامات حکومت کمونیستی را قتل و عام کردند.

۳ - رهبران کردستان خواستار خودمختاری در چارچوب تمامیت ارضی ایران بودند. ولی مقامات فرقه دمکرات آذربایجان خواهان الحاق به شوروی بودند.<sup>۲۵</sup>

۴ - با اعدام قاضی محمد (اولین دبیرکل حزب دمکرات کردستان) و یارانش، مبارزه برای آزادی و دمکراسی و احقاق حقوق از دست رفته قومی فروکش نکرد بلکه در ابعاد وسیعتر این بار در همه کردستان که از ایلام تا اورمیه را شامل می‌باشد و حقوقی است که همه مردم ایران خواهان آنند، ادامه پیدا کرد. ولی فرقه دمکرات آذربایجان به دلیل عدم پایگاه مردمی در نطفه خفه شد. **پاینده ایران**

-----

۱. کتاب کردستان و کرد دکتر ع . قاسملو مترجم استاد ع . حسن‌زاده
۲. گراهام محقق غربی مساحت کردستان را ۵۰۰ هزار کیلومترمربع می‌داند
۳. دیاکونوف . ا . م تاریخ ماد ص ۱۶۸
۴. هرودوت
۵. کتیبه تیگلات پلاسر اول
۶. کتاب زبان و ادبیات کردی نوشته دکتر رخزادی
۷. جمع آمار متنوع تا سال ۲۰۰۲ میلادی
۸. البته سلطان سنجر سلجوقی نیز در قرن ۱۲ میلادی در مناطق کردنشین ایلت بزرگی به وجود آورده بود و این منطقه را کردستان نامیده
۹. حتماً منظورشان همان دورافتادگی فرهنگی از جامعه ایرانی است
۱۰. مثلی در زبان کردی است که می‌گوید: کورد و ئهرمه‌نی ئاموزای یه‌کن (کردها و آرامنه عموزاده هم هستند)
۱۱. از جمله ۷ خاندانی که داریوش بزرگ را به پادشاهی رساندند کردان زنگنه بودند
۱۲. از جمله ۷ خاندان بزرگ عصر اشکانی طبق کتاب اسماء یوشی خاندان کرد زنگنه بوده است
۱۳. ساسانیان از طایفه شبانکاره کرد در فارس بوده‌اند
۱۴. در اواخر صفویان شیخ علی‌خان زنگنه سپهسالار ایران و حدود سی سال صدراعظم شاه سلیمان صفوی بوده است



۱۵. از دیگر چهره‌های سیاسی مشروطیت کرمانشاه می‌توان به رشیدآقا، محمدآقا، نظرسلطان، اکبریگ و ابوالحسن‌خان زنگنه اشاره کرد
۱۶. در اسناد باقیمانده از جمهوری کردستان نام دقیق و کامل "دولت جمهوری کردستان" می‌باشد
۱۷. عنوان جمهوری نه به عنوان گامی تجزیه‌طلبانه بلکه به روال شایع آن زمان و به ویژه جمهوری‌های شوروی سابق برگزیده شده است
۱۸. مقاله جمهوری مهاباد آرچی روزولت (پسر) ۳ ژوئیه ۱۹۴۷ مجله میدل ایست ژورنال (خاورمیانه)
۱۹. بیانیه تشکیل حزب به امضای قاضی محمد و ۱۰۵ تن از نخبگان و کوشندگان کرد رسیده بود
۲۰. کردها حق پوشیدن لباس کردی را نداشتند و خواندن و نوشتن به زبان کردی غیر قانونی بوده و فعالین فرهنگی و سیاسی زندانی و اعدام می‌شدند.
۲۱. قانون اساسی ایران (انجمن‌های ایالتی و ولایتی)
۲۲. منظور اقوام گوناگون ایرانی است (امروز جنگ و بهانه‌جویی بر سر کلمات و لغات به مصلحت ملی ایرانیان و نیست و نیت‌ها و مفاهیم را باید شناخت)
۲۳. عنوان جمهوری از روی حکومت‌های خودمختار شوروی سابق الگوبرداری شده بود و معنای تجزیه‌طلبی نداشت
۲۴. در درازای تاریخ اقوام ایرانی و حتی ایلات گوناگون برای خود پرچم‌های ویژه داشته‌اند و برخی هنوز هم دارند و این هرگز به معنی تقابل با پرچم ملی ایران نیست
۲۵. در تاریخ ۱۳۲۹/۹/۲۱ خورشیدی سران فرقه دمکرات آذربایجان تلگرافی به میرجعفر باقراف دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان مخابره کردند که متن آن در روزنامه آذربایجان ارگان فرقه دمکرات چنین آمده است: پدر عزیز و مهربان میرجعفر باقراف، خلق آذربایجان جنوبی که جزء لاینفک آذربایجان شمالی است مانند همه خلق‌های جهان چشم امید خود را به خلق بزرگ شوروی و دولت شوروی دوخته‌اند